



Research Article

China's Role and Position in Israeli Foreign Policy

Seyed Hamed Hoseini*

PhD in International Relations Department of Political Science Faculty of Literature and Humanities University of Guilan, Rasht, Iran

Article history:

Received: 03/12/2024

Accepted: 04/02/2025

Abstract

Israel and China have sought to minimize their differences and establish common ground to advance their respective interests. However, in doing so, they have encountered various structural challenges, leading to shifts in their areas of engagement. While Israel-China relations offer significant opportunities, particularly as China's economic influence expands, they also present challenges, especially amid the intensifying strategic competition between China and the United States. As a distinct geopolitical actor, Israel is not immune to the tensions arising from Chinese investments and U.S. security concerns. This study examines how and under what conditions Israel navigates its foreign policy between these two major powers and what implications this balancing act has for Israeli diplomacy. Based on an analytical approach, the article's hypothesis argues that given the structural characteristics of Israeli foreign policy—particularly its alignment with U.S. interests—establishing a high-level strategic relationship between Israel and China remains fundamentally unlikely. The research findings indicate that Israel-China relations have followed a cyclical pattern of decline and renewal, with U.S. strategic considerations playing a decisive role in shaping Israel's policy decisions over the past two decades, leading to a more pragmatic and realist approach.

Keywords: Israel, foreign policy, China, United States, strategic competition

Please cite this article as:

Hoseini, S.H. (2024). China's Role and Position in Israeli Foreign Policy. *Journal of Asian Regional Orders Studies*, 2 (1) 29-52. <https://doi.org/10.22099/JAROS.2025.51834.1019>

* Corresponding author: E-mail address: hamedhoseini@ut.ac.ir



Copyright: © 2025 by the author(s). This article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) licence (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)



نقش و جایگاه چین در سیاست خارجی اسرائیل

سید حامد حسینی*

دکترای تخصصی روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گیلان، رشت، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۳

اطلاعات مقاله

چکیده

ظهور چین به عنوان یک قدرت نوظهور اقتصادی پیامدهای عمده‌ای بر محیط و رقابت‌های بین‌المللی سایر بازیگران دارد. برای بسیاری از بازیگران، روابط با چین از چیزی نسبتاً حاشیه‌ای به متغیر اصلی و تأثیرگذار تبدیل شده است. این روابط فرصت‌های زیادی را با خود به همراه دارد که به سرعت در کنار پیشرفت اقتصادی چین گسترش می‌یابد، اما چالش‌های متعددی را نیز به‌ویژه در پی تشدید رقابت چین و آمریکا گسترش می‌دهد. اسرائیل نیز به عنوان یک بازیگر خاص از این تنش بین سرمایه‌گذاری چین از یک سو و فشارهای امنیتی ایالات متحده از سوی دیگر مستثنا نیست. این که چگونه این بازیگر سیاست خارجی خود را میان این دو قدرت بزرگ هدایت می‌کند، سؤال اصلی این پژوهش است که بر سیاست خارجی اسرائیل تأثیر می‌گذارد. فرضیه مقاله با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی بیان می‌کند که اسرائیل و چین در روابط خود سعی کرده‌اند اختلاف‌ها را کاهش دهند و زمینه‌های مشترکی را برای پیشبرد منافع مکمل خود ایجاد کنند. در انجام این کار، آن‌ها با موانع ساختاری مختلفی روبرو شدند و متعاقباً حوزه‌های تعامل خود را تغییر دادند. یافته‌های تحقیق حاکی از این امر است که روابط این دو بازیگر با ماهیت چرخشی توقف و بهبود همراه بوده است و متغیر تبعیت از پویایی‌های ایالات متحده نقش کلیدی در کیفیت روابط اسرائیل و چین در طول دو دهه اخیر داشته است.

واژگان کلیدی: دولت اسرائیل، سیاست خارجی، چین، ایالات متحده، رقابت

استناد به این مقاله:

حسینی، سید حامد (۱۴۰۳). نقش و جایگاه چین در سیاست خارجی اسرائیل. پژوهشنامه نظم‌های منطقه‌ای آسیا. ۲. (۱). ۵۲-۲۹.

E-mail address: hamedhoseini@ut.ac.ir

* نویسنده مسئول:



Copyright: © 2025 by the author(s). This article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) licence (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

سرآغاز

جمهوری خلق چین (PRC) و اسرائیل در صحنه جهانی زوج عجیبی به نظر می‌رسند. جمعیت چین ۱.۴ میلیارد نفر و اسرائیل حدوداً ۱۰ میلیون نفر است. از نظر جغرافیایی، اسرائیل می‌تواند ۴۳۴ بار در خاک چین جا شود. اسرائیل بازیگر کوچکی است که انتهای مرزهای غربی خاورمیانه را مشخص می‌کند. چین یکی از بزرگ‌ترین کشورهای جهان است و در انتهای شرقی اوراسیا قرار دارد. با وجود اختلاف‌های گسترده بین آن‌ها، یا شاید به دلیل آن اختلاف‌ها، اسرائیل و چین نقاط مشترکی پیدا کرده‌اند. بسیاری در اسرائیل و چین درباره مکمل بودن این دو اقتصاد اظهارنظر کرده‌اند. چین، به‌عنوان یک کشور درحال توسعه، مشتاق به دست آوردن فناوری پیشرفته است و اسرائیل توسعه‌دهنده پیشرفته برخی از فناوری‌ها است. چین همچنین مایل است از موفقیت اسرائیل در نوآوری درس بگیرد. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل پس از بازگشت از چین در سال ۲۰۱۳، ادعا کرد که چین به سه چیز علاقه‌مند است: فناوری اسرائیل، فناوری اسرائیل و فناوری اسرائیل (Prime Minister's Office, 2013).

همان‌طور که می‌دانیم، روابط اسرائیل با چین به‌راحتی توسعه نیافته است. رویارویی ایدئولوژیک بین دو کشور در دوران جنگ سرد، حمایتی که پکن از سازمان آزادی‌بخش فلسطین و دیگر مخالفان عرب دولت یهود ارائه می‌کرد، مدت‌ها بود که جنبه رسمی روابط آن‌ها را با مانع مواجه کرده بود. تنها در اوایل دهه ۱۹۹۰، اندکی پس از برقراری روابط دیپلماتیک کامل بین دو کشور (ژانویه ۱۹۹۲)، وجود طرح‌های همکاری مختلف بین تل‌آویو و پکن برای اولین بار اعلام شد و همکاری در زمینه‌های اقتصادی، فن‌آوری، کشاورزی و به‌ویژه در صنایع نظامی به سرعت شروع به توسعه کردند. با این حال، همکاری دفاعی اسرائیل و چین در آغاز قرن جدید تحت فشار ایالات متحده عملاً متوقف شد. حوزه نظامی که در ابتدا مورد توجه پکن در روابط با اسرائیل بود، به‌وضوح جای خود را به همکاری در مناطق غیرنظامی داد.

از اوایل دهه ۲۰۰۰، روابط بین چین و اسرائیل به سرعت در زمینه‌های متعددی از جمله دیپلماسی، تجارت، سرمایه‌گذاری، ساخت‌وساز، مشارکت‌های آموزشی، همکاری‌های علمی و

گردشگری گسترش یافته است. منافع اصلی چین در اسرائیل، فناوری پیشرفته و موقعیت آن به عنوان بخشی از طرح کمربند و جاده است. اسرائیل نیز به دنبال گسترش روابط دیپلماتیک، اقتصادی و استراتژیک خود با سریع ترین رشد اقتصادی بزرگ جهان و تنوع بخشیدن به بازارهای صادراتی و سرمایه گذاری های خود از ایالات متحده و اروپا است. اگرچه روابط در حال تحول با چین فرصت های مهمی را برای اسرائیل به ارمغان می آورد، اما چالش های مختلفی را نیز به همراه دارد. اسرائیل برای امنیت، روابط اقتصادی و کمک های ژئوپلیتیکی به ایالات متحده متکی است، در حالی که روابط چین و ایالات متحده آمریکا به طور فزاینده ای متشنج شده است. علاوه بر نگرانی های امنیتی طولانی مدت ایالات متحده در مورد چین، ایالات متحده به ویژه در مورد انتقال فناوری ایالات متحده و هرگونه فناوری که به چین برتری نظامی می دهد، نگران است. علاوه بر این، اسرائیل برای رشد اقتصادی به بخش فناوری خود متکی است، اما چین سابقه سرقت فناوری و رعایت نکردن مالکیت معنوی را دارد.

با توجه به منافع اسرائیل و ظرفیت فرصت ها و چالش های ذاتی چین، هدف استراتژیک اسرائیل در قبال روابط خود با چین شامل مؤلفه های زیر است: به حداکثر رساندن ظرفیت چین برای توسعه اقتصادی اسرائیل برای سال های آینده؛ جلوگیری از هرگونه آسیب به روابط استراتژیک ویژه با ایالات متحده به عنوان متحد غیرقابل جایگزین اسرائیل؛ حفظ استقلال استراتژیک اسرائیل و پیشبرد اهداف سیاسی اسرائیل در منطقه و صحنه جهانی. ویژگی های منحصربه فرد رویارویی اسرائیل و چین، هم از نظر اهداف مثبت اقتصادی و سیاسی و هم از نظر محدودیت ها و خطرها، چالش های جدی در دستیابی به هر یک از مؤلفه ها ایجاد می کند. مطمئناً، اهمیت بزرگ و فزاینده چین برای اقتصاد جهانی و صحنه بین المللی، دولت اسرائیل را ملزم به تدوین و تحقق یک سیاست محتاطانه و متعادل برای پیشبرد اهداف و کاهش خطرات در محیط استراتژیک خود می کند.

۱. سیاست خارجی اسرائیل

ویژگی نوین سیاست خارجی اسرائیل توسعه روابط با قدرت های نوظهوری مانند چین است. راهبرد اسرائیل برای بهبود موقعیت خود از یک سو و تلاش چین برای دستیابی به موقعیت

هژمونیک از سوی دیگر، این دو را به هم نزدیک کرده است (نورمحمدی و افراسیابان، ۱۴۰۱: ۲۷۹). یکی از دلایل اصلی اسرائیل برای تعمیق روابط اقتصادی خود با اقتصادهای بزرگ در حال رشد در جهان و گسترش تجارت با بازارهای آسیایی، تمایل به تنوع بخشیدن به بازارهای صادراتی و منابع سرمایه‌گذاری از شرکای سنتی خود، ایالات متحده و اتحادیه اروپا است. شرکت‌های اسرائیلی به‌طور فزاینده‌ای به آسیا روی می‌آورند تا تقاضای رونق برای فناوری خود را به دست آورند، زیرا دولت از آن‌ها می‌خواهد در واکنش به افزایش یهودستیزی و تحریم‌های تجاری احتمالی اروپا، بازارهای صادراتی خود را متنوع کنند. اسرائیل به دلیل ملاحظات اقتصادی و دیپلماتیک در تلاش است تا روابط اقتصادی خود را از شرکای تجاری و سرمایه‌گذاری سنتی خود - ایالات متحده و اروپا - متنوع کند. بازار اروپا در حال رکود بوده و اروپا با فشار قابل توجهی که از طرف جنبش BDS طرفدار فلسطین وارد می‌شود، یک جبهه دیپلماتیک دشوار برای اسرائیل است. اگرچه ایالات متحده چالش‌های دیپلماتیک مشابهی را برای اسرائیل ایجاد نمی‌کند، اما گسترش قابل توجه روابط دوجانبه اسرائیل و چین در سال‌های ۲۰۱۳-۲۰۱۴ آغاز شد، زمانی که روابط بین ایالات متحده و اسرائیل نسبت به روابطی که اسرائیل به آن عادت کرده بود کمتر صمیمانه بود. علاوه بر این، چین می‌تواند به‌عنوان منبع سرمایه‌گذاری برای اسرائیل عمل کند؛ همان‌طور که برای سایر کشورها انجام می‌دهد.

اسرائیل به‌طور سنتی یکی از مهم‌ترین متحدان ایالات متحده در خاورمیانه بوده است. با این حال، از سال ۲۰۱۳ اسرائیل مشارکت جدیدی با چین در زمینه‌های تجارت، گردشگری، فناوری، زیرساخت‌ها و امنیت ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد که اسرائیلی‌ها با تغییرات محیط استراتژیک کشور، بحران روابط با ایالات متحده در دوران اوباما و نیازهای اقتصادی و زیرساختی آن، برای این واقعیت استراتژیک انگیزه دارند. با این وجود، اسرائیل همچنان عمیقاً در اتحاد با ایالات متحده لنگر انداخته است که محدودیت‌هایی را در مورد اینکه تا چه حد می‌تواند مشارکت خود با چین را افزایش دهد، ایجاد می‌کند. با این حال، این واقعیت که اسرائیل قدرت بزرگی مانند چین را به‌عنوان شریک اصلی خود جایگزین ایالات متحده نخواهد کرد، اما این مشارکت گویای واقعیت ژئوپلیتیک جدیدی است که حتی جدی‌ترین متحدان ایالات متحده، مانند اسرائیل، سیاست خارجی خود را پوشش می‌دهند و با تعامل با چین،

مشارکت‌های خود را متنوع می‌کنند. این نوع واکنش به ظهور چین به‌ویژه جذاب است، زیرا رقابت چین و آمریکا در حال تبدیل شدن به موضوع غالب نظام بین‌الملل است.

۲. پاسخ اسرائیل به تغییرات محیطی

سنگ بنای این همکاری نوین، دیدار بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در مه ۲۰۱۳ از چین بوده است که طی آن وی با رئیس‌جمهور چین شی جین پینگ ملاقات کرد. در آن مناسبت، نتانیاهو به شی از احترام اسرائیل به موفقیت چین گفت و از تمایل خود برای ارتقای مشارکت با چین صحبت کرد. نتانیاهو در آن زمان اظهار داشت: ما چین را با تحسین فراوان می‌نگریم و می‌دانیم که چین توسط رهبران آینده‌نگر با بینش عالی رهبری می‌شود (MFA, 2013). انگیزه مشارکت با چین نیز با تغییر در محیط منطقه‌ای و استراتژیک اسرائیل همراه بوده است؛ یعنی اسرائیل در یک دهه گذشته دکترین امنیت ملی و سیاست خارجی خود را به منظور انطباق با محیط متلاطم استراتژیک خود تغییر داده است (Morris, 2012). از لحاظ تاریخی، سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل مبتنی بر چیزی است که از آن به‌عنوان دکترین پیرامونی^۱ یا اتحاد پیرامونی یاد می‌شود (Hadar, 2010). دکترین پیرامونی توسط دیوید بن گوریون، یکی از بنیان‌گذاران اسرائیل و اولین نخست‌وزیر این کشور، ایجاد شد. این استراتژی سیاست خارجی و دکترینی که زیربنای آن بود، بر این تصور استوار بود که اسرائیل توسط کشورهای عربی متخاصم که از فلسطینی‌ها حمایت می‌کنند، محاصره شده است. بنابراین، اسرائیل برای ایجاد گزینه‌های جدید دیپلماتیک و استراتژیک برای خود و غلبه بر محاصره عربی خود، نیاز به ایجاد اتحاد با کشورهای غیر عرب در پیرامون خود، مانند ایران زمان شاه و عصر کمالیستی ترکیه داشت.

در سال ۲۰۱۱ بود که یک تغییر اساسی رخ داد. در آن مقطع، رقابت اسرائیل با ایران و متحدانش، یعنی دولت بشار اسد در سوریه و حزب‌الله در لبنان دو دهه بود که ادامه داشت. واقعیت راهبردی جدیدی که برای اسرائیل به وجود آمد این بود که روابط با ترکیه اردوغان رو به وخامت بود، درست همان‌طور که بسیاری از بازیگران خاورمیانه و شمال آفریقا پس از بهار

1. The periphery doctrine

عربی خود را در آشفتگی دیدند. این روندها اسرائیل را وادار کرد تا دکترین پیرامونی خود را به گونه‌ای تجدیدنظر کند که منطقه جغرافیایی بیشتری را در برگیرد تا با کشورهای جنوب شرقی اروپا از جمله یونان و قبرس و همچنین ایتالیا، آذربایجان، سودان جنوبی و هند، اتحادها و مشارکت‌های جدیدی ایجاد کند. این کار هم برای جبران فقدان شریک قابل اعتماد در مناطق مسلمان عربی و غیر عرب و هم برای ایجاد فرصت‌های جدید برای اسرائیل در زمینه‌های تجاری، دیپلماتیک و امنیتی انجام شد، زیرا همه این کشورها به یک شکل، از آشفتگی در جهان اسلام نگرانی داشتند. بنابراین، شراکت با یک قدرت بزرگ در حال رشد مانند چین، انتخابی منطقی برای اسرائیل بود، زیرا اسرائیل می‌خواست شراکت‌های بین‌المللی خود را گسترش دهد تا همسایگی غیرقابل پیش‌بینی خود در خاورمیانه، شمال آفریقا و شرق مدیترانه را جبران کند.

۳. متغیر دوران اوپاما

مسائلی که در روابط اسرائیل با ایالات متحده در دوران اوپاما پدیدار شد، نقش مهم‌تری در تصمیم این کشور برای نزدیک شدن به چین ایفا کرده است. این زمانی بود که ایالات متحده تلاش کرد قابلیت‌ها و منافع نظامی خود را به سمت آسیا و اقیانوسیه جهت‌گیری کند تا به چالش ظهور چین رسیدگی کند و سیاستی را به‌عنوان محور به سمت آسیا در پیش گرفت^۱ (Parsi, 2013). این سیاست حاکی از آن بود که ایالات متحده توجه کمتری به سایر مناطق از جمله خاورمیانه خواهد داشت، بنابراین توانایی اسرائیل برای تکیه بر اتحاد با ایالات متحده به‌عنوان ستون سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل را محدود می‌کند. اسرائیل همچنین از توافق هسته‌ای که دولت اوپاما با ایران لحاظ کرد، ناراضی بود، زیرا به ایران بی‌اعتماد بود. اسرائیل همچنین نگران بود که توافق هسته‌ای در درازمدت به باز شدن ایران به روی ایالات متحده منجر شد که به نوبه خود به این معنی است که اسرائیل موقعیت ممتاز خود را به‌عنوان متحد اصلی ایالات متحده در منطقه از دست خواهد داد.

سرانجام، اسرائیل نگران انتصاب جان کری به‌عنوان وزیر امور خارجه در دوره دوم ریاست جمهوری اوباما بود. کری که گفته می‌شد تمایل به ایجاد میراثی سیاسی از خود را دارد، تصمیم گرفت تا مناقشه اسرائیل و فلسطین را حل کند و مذاکرات صلح را دوباره آغاز کند. مأموریت کری در نهایت شکست خورد، اما با این وجود، دولت اسرائیل را عصبانی کرد و به‌عنوان یکی از انگیزه‌های اسرائیل برای یافتن شرکای جدید عمل کرد. برای اسرائیل، چین عمدتاً به دلیل بی‌طرفی سیاسی خود شریک مناسبی است، زیرا در مسائل حاکمیتی، دموکراتیک، حقوق بشر یا اختلاف‌های سیاسی که به منافع اصلی آن تجاوز نمی‌کند، دخالت نمی‌کند. این امر به‌ویژه در رابطه با مسئله فلسطین مطرح شد. همان‌طور که یکی از نزدیکان نتانیاهو به شکل اغراق‌آمیزی به گیدئون راجمن، مفسر امور خارجی فایننشال تایمز گفت: ما هفت ساعت را با رهبری چین گذراندیم. می‌دانید چقدر برای فلسطینی‌ها وقت گذاشتند؟ تقریباً بیست ثانیه (Rachman, 2017). این اظهارنظر گرچه اندکی دور از واقعیت است اما می‌تواند تا حدودی اهمیت مسئله فلسطین نزد حاکمان پکن را روشن کند. شراکت با چین به اسرائیل انعطاف‌پذیری می‌دهد که در مشارکت با ایالات‌متحده فاقد آن است، زیرا شهرت چین در خاورمیانه به موضوع فلسطین آغشته نیست. این کاملاً در تضاد با روشی است که جمعیت مسلمان ایالات‌متحده، فلسطین را به‌عنوان یک قهرمان بی‌قید و شرط به ضرر اسرائیلی‌ها می‌دانند.

۴. سرمایه‌گذاری‌های چین

اگرچه روابط غیررسمی بین اسرائیل و چین به سال ۱۹۷۹ بازمی‌گردد، اما این دو کشور ماهیت روابط خود را گسترش داده و تغییر داده‌اند تا شامل همکاری در زمینه علم و فناوری، سرمایه‌گذاری چین در زیرساخت‌های اسرائیل و همکاری دانشگاهی باشد. چین با بیش از ۱۱ میلیارد دلار تجارت دوجانبه در سال ۲۰۱۷، پس از ایالات‌متحده و اتحادیه اروپا، به سومین شریک تجاری بزرگ اسرائیل تبدیل شده است (Abrams, 2018). در سال ۲۰۱۴، اسرائیل کالاهای بیشتری از چین وارد کرد تا از ایالات‌متحده. دو کشور همچنین در حال مذاکره برای توافقنامه تجارت آزاد هستند. در سال ۲۰۱۵، اسرائیل به یکی از اعضای بنیان‌گذار بانک

سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا^۱ (AIIB)، یکی دیگر از ابتکارات چین تبدیل شد. سرمایه‌گذاری چین در شرکت‌های فناوری اسرائیل رونق گرفته است و در سال ۲۰۱۵، ۴۰ درصد از کل سرمایه‌های وارد شده به اسرائیل از چین بوده است. روابط تجاری گسترده‌تر نیز شکوفا شده است و در مارس ۲۰۱۷، در جریان سفر نتانیاهو به چین، دو کشور ده توافقنامه دوجانبه و تجاری به ارزش کل ۲۵ میلیارد دلار امضا کردند (Berger, 2017).

تجارت بین چین و اسرائیل در حال رونق است. در سال ۲۰۱۸، کل تجارت بین این دو در مقایسه با سال ۲۰۱۴ که ۱۰.۹ میلیارد دلار بود، نزدیک به ۱۴ میلیارد دلار برآورد شد. برای مقایسه، در سال ۱۹۹۲، این رقم به ۵۰ میلیون دلار رسید که نشان می‌دهد بهبود گفت‌وگوی سیاسی بین این دو، با رشد روابط تجاری نیز همراه بوده است. در این میان، مذاکراتی در مورد توافقنامه تجارت آزاد جدید بین دو کشور وجود دارد که از سال ۲۰۱۶ ادامه دارد. چین منبع اصلی درآمد برای بخش گردشگری اسرائیل بوده است. با وجود اینکه در سال ۲۰۱۸ تعداد گردشگران چینی به دلیل نگرانی‌های امنیتی ناشی از تصمیم ترامپ برای انتقال سفارت آمریکا به بیت‌المقدس کاهش یافته بود، اما تعداد گردشگران چینی در نیمه اول سال ۲۰۱۹ نسبت به مدت مشابه ۶۷ درصد افزایش یافته است (Kandel, 2019). گردشگری خارجی به‌عنوان ابزار استراتژی قدرت نرم چین در خاورمیانه ظاهر شده است. تعداد کارگران، گردشگران، دانشجویان و بازرگانان چینی در خارج از کشور در حال افزایش است و تعامل با جمعیت محلی نقش قابل‌توجهی در شکل‌دهی تصویر چین به جهان خارج و ارتقای تفاهم بین‌همتیان آن در منطقه دارد.

اسرائیل به نوبه خود شریک جذابی در حوزه سرمایه‌گذاری فناوری برای دولت چین و شرکت‌های چینی مانند علی‌بابا^۲ بوده است. چین تلاش می‌کند از مدل اقتصادی اسرائیل که مبتنی بر فناوری و نوآوری است، درس بگیرد، زیرا این کشور می‌خواهد از مدل خود که مبتنی بر تولید است فاصله بگیرد. برای کشورهای پیشرفته مانند ایالات متحده، کانادا و کشورهای عضو اتحادیه اروپا، این به معنای افزایش رقابت جهانی چین برای سهم بازار فناوری است و

-
1. The Asian Infrastructure Investment Bank
 2. Alibaba

همچنین به این معنی است که چین در حال تلاش برای توسعه بازار داخلی خود در مقابل وابستگی بیش‌ازحد به بازارهای بین‌المللی است. شرکت اسرائیلی فناوری پیشرفته IRP Systems، متخصص در فناوری مرتبط با هوانوردی، می‌خواهد محصولات خود، به‌ویژه سیستم‌های محرکه هوانوردی را به چین عرضه کند.

در حوزه زیرساخت‌ها، اسرائیل در حال بررسی امکان پیوستن به طرح کمربند و جاده چین است، زیرا پیش‌بینی می‌شود جمعیت اسرائیل در سی سال آینده دو برابر شود و در نتیجه نیاز به افزایش ۲۰۰ میلیارد دلاری ظرفیت‌های زیرساختی را ایجاد کند. این فرصتی را برای چین ایجاد می‌کند تا از سرمایه، فناوری و نیروی انسانی خود از طریق شرکت‌های دولتی برای اجرای این پروژه‌ها در اسرائیل استفاده کند. در حیف و اشدود، شرکت چینی China Harbour Engineering در حال ساخت بنادر دریایی به ارزش دو میلیارد دلار در مجاورت ناوگان ششم ایالات متحده در دریای مدیترانه است که باعث نگرانی ایالات متحده در مورد امکان جاسوسی و کنترل زیرساخت‌های دریایی استراتژیک شده است (Ehrlich, 2018). علاوه بر این، اشدود قطب مرکزی تجارت دریایی اسرائیل است و چین با تثبیت خود در مسیر تجارت دریایی در شرق مدیترانه، به‌ویژه با توجه به جاه‌طلبی خود برای نفوذ به بازار اروپا، مزیت اقتصادی قابل توجهی به دست خواهد آورد.

درواقع، پس از ابتکار کمربند و جاده رئیس‌جمهور شی، سرمایه‌گذاری چین در اسرائیل به‌طور قابل توجهی گسترش یافته است و بیشتر بخش‌های اقتصاد آن را پوشش می‌دهد. سرمایه‌گذاری‌های سیستمی و استراتژیک چین از طریق شرکت‌های دولتی یا وابسته به دولت (عمدتاً غول‌های چینی مانند علی‌بابا، بایدو، هواوی، لنوو و دیگران) در فناوری و زیرساخت‌های اسرائیل، کم و بیش متوجه فناوری، شرکت‌های مالی و استارت‌آپ‌ها می‌شوند که کار آن‌ها می‌تواند به سمت افزایش امنیت، حریم خصوصی و فناوری‌های دوگانه با هدف آشکار ایجاد اکوسیستم‌های مالی یکپارچه که ترکیبی از امور مالی، مراقبت‌های بهداشتی، مسائل اجتماعی، بانکداری، بیمه، آموزش و غیره است، هدایت شود.

فهرست پروژه‌های زیرساختی به همین‌جا ختم نمی‌شود. در ژوئیه ۲۰۱۹، طرحی توسط شرکت الکتریک اسرائیل^۱ (IEC) برای فروش نیروگاه الون تاوور^۲ به یک شرکت تابعه شرکت ساخت‌وساز ارتباطات چین^۳، با مسئولیت محدود، اعلام شد (Scheer, 2019). گروه تونل و راه‌آهن چین همچنین برنده مناقصه طراحی و ساخت تونل‌ها و سیستم‌های الکترونیکی کمکی خط آهن جدید تل‌آویو به ارزش تقریبی ۱.۴ میلیارد دلار شده است (People's Daily Online, 2018). این پروژه به‌عنوان یک تلاش زیرساختی بزرگ برای تل‌آویو با توجه به تعداد فزاینده جمعیت در مراکز شهری اسرائیل که باید بر استفاده از زیرساخت‌های شهر تکیه کنند، تلقی می‌شود. ارزش کل سرمایه‌گذاری‌ها و پروژه‌های ساخت‌وساز چین در اسرائیل بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۹، ۱۲.۱۹ میلیارد دلار برآورد شده است. ظاهراً ایالات متحده با سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های فناوری قدرتمند چینی، Huawei و ZTE در اسرائیل مخالفت کرده و آن‌ها را تهدیدی بالقوه می‌داند. نگرانی ایالات متحده ریشه در این باور دارد که هواوی و ZTE ممکن است راه را برای نظارت چینی در کشورهایی که در آن تجارت می‌کنند باز کنند. به نوبه خود، چینی‌ها این نگرانی‌ها را به قول سخنگوی وزارت خارجه چین، مضحک قلمداد کرده‌اند. اسرائیل در حال حاضر با این چشم‌انداز وسوسه شده است که بخش فناوری خود از دستاوردهای تجاری و رشد کلی در رقابت فناوری بین چین و آمریکا سود می‌برد.

در دسامبر ۲۰۱۹، تخمین زده شد که ارزش کل خروجی استارت‌آپ‌های اسرائیل در سال ۲۰۱۹ با جهش ۱۰۲ درصدی به ۹.۹ میلیارد دلار رسید که ایالات متحده بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار برای ۶۰ درصد معاملات در بازار فناوری اسرائیل است (Cohen, 2019). از سوی دیگر، طبق داده‌های اسرائیل، سرمایه‌گذاری‌های چینی در بخش فناوری پیشرفته اسرائیل از تقریباً هیچ به حدود ۵۰ سرمایه‌گذاری در سال افزایش یافته است (Data and Insight, 2018). اسرائیل با آگاهی از ارزش خود در بازار جهانی فناوری و همچنین این واقعیت که هم ایالات متحده و هم چین اسرائیل را شریک فناوری بسیار جذابی می‌دانند، وسوسه می‌شود که در جنگ فناوری آمریکا و چین کنار بیاید تا ببیند چگونه خود را در این رقابت هدایت کند.

1. Israel Electric Corp

2. Alon Tavor

3. China Communications Construction Company

۵. پکن و بی‌طرفی سیاسی

چین قصد ندارد نقش بزرگی را در خاورمیانه به روش سنتی ایفا کند و عمیقاً درگیر سیاست منطقه شود بلکه درصدد است با استفاده از وسایل دیپلماتیک که ناگزیر از تأثیرگذاری اقتصادی آن است، از بحران‌ها و تغییرهایی در منطقه بهره‌برد تا اصول و ترتیبات موردنظر خود را ارتقا بخشد و جایگاهی مستحکم را در منطقه ایجاد کند. نیاز و اهمیت دول منطقه و البته اسرائیل به حضور چین، ظهور و بروز آن را در حیطه نفوذ استراتژیک ایالات متحده تبدیل به امری پیچیده کرده است (رستمی و کهریزی، ۱۴۰۱: ۱۹۰).

با این وجود، چین با چشم‌انداز دشواری برای ایجاد تعادل در روابط خود با ایران و اسرائیل مواجه است. اگر دیپلماسی چین بخواهد در خاورمیانه فعال‌تر باشد، باید با رقابت فزاینده بین اسرائیل و ایران و همچنین رقابتی که بین دیگر بازیگران در سراسر منطقه وجود دارد، مقابله کند. این وضعیت در ژانویه ۲۰۱۹ آشکار شد، زمانی که چین به هدف قرار دادن مواضع نظامی ایران در سوریه توسط اسرائیل واکنش نشان داد و از طرف‌های درگیر خواست تا راه‌حلی سیاسی پیدا کنند. این نیاز به حفظ تعادل در روابط چین با بازیگران محلی، چالش‌های بزرگی را برای روابط چین با اسرائیل و همچنین برای سیاست چین در منطقه ایجاد می‌کند. همان‌طور که در گزارش شورای روابط خارجی اروپا درباره سیاست خارجی چین در خاورمیانه آمده است: چین هنوز اشتباهات محدودی برای به چالش کشیدن معماری امنیتی تحت رهبری ایالات متحده در خاورمیانه یا ایفای نقش مهمی در سیاست منطقه دارد (Lones, 2019). با این حال، دیپلماسی چین با چالش تمرکز و مشارکت دیپلماتیک در رقابت‌های ژئوپلیتیک محلی مواجه خواهد شد. این امر حادث‌تر می‌شود، زیرا یکی از پیش‌فرض‌های بلندمدت رشد اقتصادی چین وابستگی انرژی آن به خاورمیانه است. این سناریو نه تنها چین را مجبور می‌کند تا در منطقه فعال‌تر شود، بلکه چین را مجبور می‌کند تا موضع سنتی بی‌طرفی سیاسی خود را در رابطه با بسیاری از مسائل منطقه‌ای از جمله اسرائیل بازنگری کند.

سؤال بزرگ دیگری که باقی می‌ماند این است که آیا چین می‌تواند از نظر سیاسی در مورد فلسطین بی‌طرف باشد یا خیر. در سال ۲۰۱۳، شی جین پینگ، رئیس‌جمهور چین، پیشنهادی چهار ماده‌ای برای حل مناقشه اسرائیل و فلسطین به محمود عباس ارائه کرد که شامل موارد

زیر بود: ۱. تأسیس کشور فلسطین؛ ۲. مذاکره به‌عنوان تنها اقدام قابل قبول؛ ۳. اعمال اصل زمین در برابر صلح و ۴. جامعه بین‌المللی تضمین‌هایی را برای هر دو طرف در جریان روند صلح ارائه می‌دهد. در سال ۲۰۱۴، چین دیپلمات خود گونگ شیائوشنگ را به‌عنوان فرستاده ویژه در امور خاورمیانه منصوب کرد. با این حال، هیچ یک از این دو ابتکار دیپلماتیک - مدیریت روابط اسرائیل با ایران و همچنین روابط اسرائیل با فلسطین - با جدیت توسط پکن دنبال نشد. حفظ تعادلی که پکن بین اسرائیل و فلسطین برقرار می‌کند دشوار خواهد بود، زیرا پکن اسرائیل را کشوری جذاب برای پروژه BRI خود می‌بیند، اما پکن نیز باید مراقب فلسطینی‌ها باشد تا از نام خود در جهان عرب محافظت کند.

۶. نگرانی ایالات متحده

ایالات متحده به‌عنوان متحد نزدیک اسرائیل یا حتی به‌عنوان حامی، حمایت‌های سیاسی و نظامی حیاتی همراه با همکاری‌های اقتصادی و فناوری استثنایی به اسرائیل ارائه می‌کند. در مقابل، واشنگتن از اسرائیل انتظار دارد که روابط خود با چین را مطابق با منافع خود آمریکا پیش برَد. بدین لحاظ، بزرگ‌ترین چالش در شراکت چین و اسرائیل، ایالات متحده خواهد بود. علیرغم روند صعودی روابط اسرائیل با پکن، ایالات متحده همچنان شریک اصلی آن است، زیرا این اتحاد یکی از ارکان امنیت ملی اسرائیل است. با توجه به اینکه ایالات متحده بیش از پیش درگیر رقابت ژئوپلیتیک با چین برای برتری جهانی است، بنابراین اجازه نخواهد داد اسرائیل از روابط تنگاتنگ با چین منتفع شود. این اتفاق از قبل شروع شده است، همان‌طور که در ژانویه ۲۰۱۹، زمانی که جان بولتون، مشاور امنیت ملی سابق ایالات متحده از اسرائیل بازدید کرد و به میزبان خود هشدار داد که ایالات متحده از اسرائیل در دادن فناوری پیشرفته به چین حمایت نمی‌کند، از چین در ساخت بندر حیفا حمایت نمی‌کند و با حضور شرکت‌های فناوری چینی در این کشور مانند هواوی و ZTE مخالفت می‌کند (Rosenberg, 2019). اندکی پس از آن، مایک پمپئو، وزیر امور خارجه ایالات متحده، همچنین به اسرائیل هشدار داد که ایالات متحده ممکن است اشتراک اطلاعات و امنیتی را کاهش دهد، مگر اینکه اسرائیل در روابط خود با چین تجدید نظر کند.

جان رود، معاون وزیر دفاع آمریکا، در جریان سفر خود به اسرائیل در جولای ۲۰۱۹ به طرح فروش نیروگاه Alon Tavor نیز اشاره کرد. رود در آن مناسبت خاطرنشان کرد که درحالی‌که ایالات متحده مخالف همه اشکال همکاری با چین نیست، اما به میزبانان خود در مورد اقتصاد غارتگرانه چین که در سایر نقاط جهان دیده می‌شود، هشدار می‌دهد (Coren, 2019). در همان تابستان، قانون دفاع ملی برای سال مالی^۱ ۲۰۲۰ (NDAA) اشاره کرد که ایالات متحده علاقه‌ای به حضور آینده کشتی‌های نیروی دریایی ایالات متحده در بندر حیفا در اسرائیل دارد اما نگرانی‌های جدی امنیتی دارد. نگرانی‌های مربوط به ترتیبات اجاره بندر حیفا؛ درحالی‌که از اسرائیل می‌خواهد پیامدهای امنیتی سرمایه‌گذاری خارجی در اسرائیل را در نظر بگیرد (116th Congress, 2019).

با این حال، این واقعیت که چین فعالانه در اقتصاد اسرائیل مشارکت دارد و به گفته برخی منابع، حدود ۱۵ درصد از اقتصاد اسرائیل را در اختیار دارد، موضوع یک مبارزه ژئوپلیتیک و جبهه جدیدی در رقابت بین آمریکا و چین بوده است. اگرچه نفوذ واشنگتن در خاورمیانه تا حدودی کاهش یافته است، اما همچنان برجسته‌ترین بازیگر در منطقه است، از این رو فعالیت فزاینده چین در منطقه و توسعه نسبتاً موفقیت‌آمیز روابط با اسرائیل به‌طور جدی ایالات متحده را نگران کرده و آن را به دنبال مهار این خط‌مشی سوق داده است. یکی از دلایل سیاسی سرمایه‌گذاری چین در اسرائیل، فروپاشی روابط آمریکا با چین در زمینه فناوری اطلاعات و امنیت سایبری است. جهش فناوری که با کمک اسرائیل انجام شده است، چین را به یک رهبر در تجارت الکترونیک و بانکداری دیجیتال تبدیل خواهد کرد و جایگزین ایالات متحده به‌عنوان یک رهبر در فناوری خواهد شد. علاوه بر لفاظی‌های دولت ترامپ و بایدن در مورد چین به دلیل جنگ‌های تجاری، مشکل این است که چین تأثیر قابل‌توجهی بر زیرساخت‌های حیاتی اسرائیل خواهد گذاشت و برخی از قابلیت‌های نظامی اسرائیل را به دقت بررسی خواهد کرد. تصادفی نیست که بسیاری از کارشناسان اسرائیلی از خصوصی‌سازی بنادر اسرائیل انتقاد کرده‌اند و استدلال می‌کنند که این امر تهدیدی مهم برای امنیت ملی اسرائیل است.

۷. چالش‌های مرتبط با روابط چین-اسرائیل

اگرچه اسرائیل می‌تواند از روابط نزدیک‌تر با چین سود ببرد، اما این روابط ممکن است با چالش‌هایی ازجمله پیامدهای آن برای روابط ویژه اسرائیل و ایالات متحده همراه باشد. این روابط با توجه به نگرانی‌های ایالات متحده در مورد چین به‌عنوان یک دشمن بالقوه با نگرانی‌های متعددی همراه است:

اولین مورد تجارت در اقلام دفاعی و کالاها و خدماتی است که می‌تواند برای مقاصد غیرنظامی یا نظامی یا اقلام با کاربرد دوگانه استفاده شود. علاقه چین به فناوری دفاعی اسرائیل منجر به تنش جدی در روابط ایالات متحده و اسرائیل و روابط اسرائیل و چین در اوایل دهه ۲۰۰۰ شد. در پی موافقت با قطع چنین ارتباطات دفاعی با چین، اسرائیل متوجه شد که حمایت ایالات متحده آزادی عمل آن را در حوزه دفاعی در مقابل چین محدود می‌کند. با این حال، اخیراً چین تعامل خود را با بخش فناوری اسرائیل ازجمله در زمینه امنیت سایبری افزایش داده است. برخی از مقام‌های اسرائیلی، به‌ویژه در دفتر نخست‌وزیر و وزارت امور خارجه، به‌طور ضمنی پیشنهاد کرده‌اند که ممکن است مایل به کاهش محدودیت‌های صادرات فناوری دفاعی و دوگانه به چین باشند که در اواسط دهه ۲۰۰۰ ایجاد شد (Coren, 2014). شایان ذکر است، وزارت دفاع اسرائیل (MOD) به دلیل روابط دفاعی اسرائیل با ایالات متحده، در برابر این تماس‌ها مقاومت کرده است. صرف‌نظر از این، روابط نزدیک‌تر اسرائیل و چین به این معنی است که موضوع صادرات فناوری دفاعی و استفاده دوگانه احتمالاً دوباره ظاهر خواهد شد. این توسعه نشان‌دهنده حوزه‌ای است که ممکن است منافع اسرائیل دوباره با منافع ایالات متحده متفاوت باشد، به‌ویژه در پرتو تشدید تنش‌ها و جنگ تجاری فزاینده بین ایالات متحده و چین.

چالش دوم ناسازگاری بین برخی از منافع چین و اسرائیل در خاورمیانه است. منافع چین در منطقه اساساً ناشی از وابستگی به انرژی آن است که مستلزم روابط خوب هم با عربستان سعودی و هم با ایران است که ایران از سال ۱۹۷۹ دشمن اصلی اسرائیل بوده است. در نتیجه، مواضع، تلاش‌ها و اهداف سیاسی و استراتژیک چین در منطقه و همچنین در سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد (سازمان ملل)، اغلب با منافع اسرائیل مطابقت ندارد.

مقام‌های اسرائیلی پشت درهای بسته می‌گویند که چین هرگز از موضع اسرائیل در سازمان ملل حمایت نخواهد کرد. اختلاف‌ها تنها به موضوع ایران محدود نمی‌شود، بلکه به درگیری اسرائیل و فلسطین نیز مربوط می‌شود که چین به‌طور مداوم از مواضع طرفدار فلسطین حمایت می‌کند. یکی از نمونه‌های اخیر واکنش منفی چین پیرامون به رسمیت شناختن قدس به‌عنوان پایتخت اسرائیل در سال ۲۰۱۷ بود. سخنگوی وزارت خارجه چین، اظهار داشت: ما از آرمان عادلانه مردم فلسطین برای احیای حقوق ملی مشروع حمایت می‌کنیم و در ساختن یک کشور فلسطینی حمایت می‌کنیم، دولت مستقل و با حاکمیت کامل در امتداد مرزهای ۱۹۶۷ به پایتختی بیت‌المقدس شرقی (Gao, 2017).

سومین چالش در برابر گسترش روابط اسرائیل و چین، تا حدی به دلیل تحول تفکر استراتژیک چین در مورد خاورمیانه و نقش خود در نظم بین‌المللی است. خاورمیانه بخش کلیدی ابتکار کمربند و جاده چین است و روابط نزدیک‌تر با اسرائیل با اهداف منطقه‌ای چین مطابقت دارد و در عین حال به پیشرفت بخش فناوری چین کمک می‌کند. اگرچه رئیس‌جمهور چین به‌طور رسمی BRI را در سال ۲۰۱۳ اعلام کرد، این ابتکار بر تلاش بلندمدت چین استوار است که به اوایل دهه ۱۹۹۰ برای بین‌المللی شدن در مناطق درحال توسعه از جمله خاورمیانه بازمی‌گردد. این تلاش‌ها، که حتی قبل از اعلام BRI به اروپا هم کشیده شد، شامل بخش بزرگی از توسعه زیرساخت‌ها بود (Evron, 2017). از اواخر دهه ۲۰۰۰، شرکت‌های چینی در ساخت و اجرای پروژه‌های زیرساختی بزرگ در اسرائیل مشارکت داشتند.

این پروژه‌ها شامل سایت‌هایی در دو بندر در دریای مدیترانه است که محل استقرار نیروی دریایی اسرائیل نیز است. بخش‌هایی از پروژه راه‌آهن تل‌آویو؛ حفاری تونل‌های کارمل در حیفا؛ حفاری تونل‌های خط قطار آکو-کارمیل؛ و پروژه ساخت قطار ایلات-اشدود که هنوز تأیید نشده است (Chaziza, 2016). بنادر، راه‌آهن و جاده‌ها با مفهوم کلی زیرساخت‌های حیاتی مطابقت دارند که می‌تواند نیازمند توجه ویژه سیاست‌گذاران باشد. اما اگرچه وزارت دفاع اسرائیل از شرکت‌های وابسته به دولت‌های خارجی از شرکت در مناقصه جلوگیری می‌کند، این محدودیت در مورد مناقصه‌های صادر شده توسط وزارتخانه‌های حمل‌ونقل، انرژی و سایرین وجود ندارد. این امر به شرکت‌های چینی، از جمله آن‌هایی که روابط واضحی با دولت جمهوری خلق چین دارند، این امکان را می‌دهد تا در مناقصه‌ها بدون بررسی کافی برای ساخت و بهره‌برداری از

پروژه‌های زیرساختی بزرگ رقابت کرده و برنده شوند. با این حال، ساخت‌وساز چینی‌ها و بهره‌برداری از پروژه‌های زیرساختی بزرگ، که شامل نصب و دسترسی به دوربین‌ها، رادیو، فیبر نوری و شبکه‌های سلولی است، نگرانی‌هایی را ایجاد می‌کند.

چهارمین چالش مرتبط با گسترش روابط اسرائیل و چین بر امنیت فناوری اسرائیل و چشم‌انداز آینده اقتصاد اسرائیل است. بر اساس تجربه سایر کشورها، سیاست‌ها و اقدام‌های چین در مورد مسائل مربوط به حقوق مالکیت معنوی^۱ (IPR) پرچم‌های قرمز را در اسرائیل برافراشته است. علاوه بر این، دستیابی به شرکت‌های اسرائیلی و دانش ایجادشده از طریق همکاری دانشگاهی ممکن است چین را قادر سازد تا فناوری‌ها و منابع مهم را از اسرائیل به چین منتقل کند. این موضوع با معرفی سند ساخت چین ۲۰۲۵ در سال ۲۰۱۵ برجسته‌تر شد، یک برنامه ده‌ساله که با دو برنامه دیگر، برای تبدیل چین به یک قدرت تولیدی پیشرو تا سال ۲۰۴۹ یعنی صدمین سالگرد تأسیس جمهوری خلق چین دنبال می‌شود (Xinhua, 2015). از طریق این فرآیند، چین می‌تواند توانایی اسرائیل برای کسب بازده از تحقیق و توسعه و نوآوری را با بومی کردن مالکیت معنوی اسرائیل در چین بدون پرداخت، کاهش دهد و به رشد و شکوفایی آینده اسرائیل آسیب برساند.

علاوه بر این، سرمایه‌گذاری کنترل نشده چین و دسترسی به فناوری اسرائیل، اقتصاد اسرائیل را در معرض خطرات سایبری قرار می‌دهد. این نگرانی ناشی از تجربه کشورهای دیگر است. در اواخر سال ۲۰۱۵، جاسوسی سایبری چینی که شرکت‌های آمریکایی را هدف قرار می‌داد، ۳۶۰ میلیارد دلار در سال برآورد شد (Strohm, 2015). وقتی صحبت از فناوری‌های دفاعی به میان می‌آید، این خطر افزایش می‌یابد. در سال ۲۰۱۴، CyberESI گزارش داد که هکرهای ارتش آزادی‌بخش خلق چین (PLA) اطلاعات حساس در مورد فناوری دفاع موشکی گنبد آهنین را هدف قرار داده و به سرقت برده‌اند. علاوه بر گنبد آهنین، هکرها سه شرکت بزرگ صنعت دفاعی، Elisra Group، صنایع هوافضای اسرائیل^۲ و

1. intellectual property rights

2. Made in China 2025

3. Israel Aerospace Industries

سامانه‌های پدافند پیشرفته رافائل^۱ را هدف قرار دادند و عمدتاً مالکیت معنوی مربوط به موشک‌های Arrow III، پهپادها، راکت‌های بالستیک و سایر اسناد فنی را به سرقت بردند (Keeck, 2014).

چالش نهایی این است که سطوح بالای سرمایه‌گذاری و ساخت‌وساز چینی در اسرائیل می‌تواند اهرم سیاسی اسرائیل را در اختیار جمهوری خلق چین قرار دهد. برای مثال، در سال ۲۰۱۳، چین سفر نتانیا‌هو را مشروط به پایان دادن به پرونده دادگاه فدرال نیویورک علیه بانک دولتی چین کرد که متهم به پول‌شویی ایران برای فعالیت‌های تروریستی توسط حماس و جهاد اسلامی فلسطین بود. هر شرکتی با اندازه قابل توجهی که منشأ آن چین باشد، احتمالاً پیوندهای رسمی یا غیررسمی با دولت دارد و انتظار می‌رود با دستگاه امنیتی و اطلاعاتی آن همکاری کند. از منظر اسرائیل، روابط چین با ایران به حدی منافع این کشور را تضعیف می‌کند که پکن مشکلات تهران را کاهش داده و توانایی‌های آن را تقویت می‌کند. در بخش تجارت و بازرگانی، این شامل کمک به تکمیل درآمدها و ذخایر ارزی ایران است. حتی اگر وابستگی ایران به پکن را افزایش دهند، هرگونه انتقال ارز چینی به ایران و هجوم سرمایه به زیرساخت‌های انرژی، صنعتی و حمل‌ونقل به تهران کمک می‌کند تا گزند تحریم‌های آمریکا را کاهش دهد و علاوه بر این احتمالاً فعالیت‌های ضد اسرائیلی را تشدید خواهد کرد. متقاعد کردن مستقیم چین به قطع یا کاهش قابل توجه روابط خود با ایران غیرواقعی و احتمالاً حتی معکوس است. چنین راهبردی به عنوان سرکوب کردن یک قدرت بزرگ، قدرتی که به حفظ روابط خوب با همه بازیگران منطقه‌ای افتخار می‌کند، رفتاری منفی تلقی می‌شود. علاوه بر این، انگیزه‌های چین برای تعمیق همکاری با ایران ارتباط چندانی با اسرائیل ندارد. با این حال، تا زمانی که ایران به تهدید اسرائیل به ناپودی ادامه می‌دهد و وسایلی را ایجاد می‌کند که به طور بالقوه این هدف را دنبال می‌کند، تصمیم‌گیرندگان سیاست خارجی اسرائیل در تلاش مستمر برای اخلاف در گزینه‌های دیپلماتیک ایران گمراه نخواهند شد.

با این حال، شیوع همه‌گیری COVID-19 جهان را در آستانه یک بحران اقتصادی همه‌جانبه قرار داده است که نمی‌تواند بر چین و ترویج اقتصادی بسیار فعال BRI در خاورمیانه

¹. Rafael Advanced Defense Systems

تأثیر بگذارد. در این شرایط، حتی فعال‌ترین طرفداران همکاری اقتصادی با چین باید فرصت‌ها را با خطرات شناسایی‌شده در طول بحران فعلی مقایسه کنند. برخی کارشناسان معتقدند که با افزایش تنش‌ها بین آمریکا و چین، باید انتظار داشت که اسرائیل به واشنگتن بپیوندد و در تعاملات خود با شرکت‌های چینی به‌ویژه در مورد زیرساخت‌های استراتژیک ملی و فناوری‌های حساس احتیاط زیادی به خرج دهد. علیرغم این واقعیت که اسرائیل در پی آن است تا زیرساخت‌های حمل‌ونقل خود را مدرن کند و روابط تجاری با چین را بهبود بخشد، اما تصمیم‌گیران امنیت ملی و سیاست خارجی احتمالاً خطرات مرتبط با این موضوع را در نظر گرفته‌اند. به نظر می‌رسد اسرائیل سازوکاری ایجاد می‌کند که سرمایه‌گذاری‌های چین را بررسی کند تا اطمینان حاصل شود که آن‌ها منافع امنیتی اسرائیل را به خطر نمی‌اندازند. اگر تل‌آویو نتواند تعادلی بین نیازهای امنیت ملی و سیاست خارجی و منافع اقتصادی ایجاد کند، ناگزیر است که از بسیاری از فرصت‌های BRI چشم‌پوشی کند.

فرجام سخن

مکمل بودن دو بازیگر را می‌توان بدیهی دانست؛ وضعیت جمهوری خلق چین به‌عنوان یک قدرت بزرگ و هژمون بالقوه، عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد، که قادر به لابی کردن است، تل‌آویو را به حفظ روابط نزدیک‌تر با آن واداشته است. ادغام نفوذ جهانی چین با حاکمیت اقتصادی عمل‌گرایانه اسرائیل، ثبات سیاسی و اهمیت استراتژیک آن به‌عنوان یکی از ارکان منطقه‌ای نفوذ چین در خاورمیانه و جهان حیاتی است. اسرائیل برای چین یک کشور توسعه‌یافته خاورمیانه با ظرفیت بالا در زمینه فن‌آوری‌های علمی پیشرفته و مجموعه نظامی-دفاعی است. برای اسرائیل، چین مهم‌ترین بازار برای استارت‌آپ‌ها و تجهیزات نظامی و سرمایه‌گذار در توسعه زیرساخت‌ها است، جایی که اسرائیل مشکلات بزرگی دارد. اسرائیل با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی و سیاسی-اقتصادی خود می‌تواند ادعا کند که شریک استراتژیک چین است و ایجاد منطقه آزاد تجاری در چارچوب BRI چین می‌تواند به تجارت مضاعف و گسترش همکاری‌ها و حجم سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه فناوری کمک کند.

اسرائیل چین را نادیده نخواهد گرفت، زیرا از اهمیت روزافزون آن در امور بین‌الملل آگاه است، اما ضرورت حفظ اتحاد با ایالات متحده محدودیت‌هایی را بر هر شراکت اسرائیل و چین اعمال خواهد کرد. با این وجود، مشارکت رو به رشد اسرائیل با چین نشانه یک روند جدید ژئوپلیتیک است. از آنجایی که رقابت چین و آمریکا به روند غالب نظام بین‌الملل تبدیل می‌شود، معضل اصلی برای بسیاری از کشورهای کوچک‌تر این است که چگونه از این رقابت استفاده کنند تا امتیازات بیشتری را از دو قدرت رقیب برای خود بگیرند. متحدان ایالات متحده، مانند اسرائیل، روابط خود را با ایالات متحده قطع نخواهند کرد، زیرا می‌دانند که چین در این برهه زمانی بار دیپلماتیک و امنیتی تبدیل‌شدن به حامی اصلی آن‌ها را بر عهده نخواهد گرفت. با این حال، اسرائیل و سایر کشورها در سراسر جهان در استراتژی پوشش ریسک و تنوع بخشیدن به مشارکت‌های خود، با همراه کردن چین در حال رشد به منظور ایجاد گزینه‌های جدید برای خود درگیر خواهند شد.

اسرائیل تنها کشوری نیست که با پرسش‌هایی در رابطه با نحوه مدیریت روابط تجاری و سرمایه‌گذاری خود با چین دست‌وپنجه نرم می‌کند. رویکردها متنوع هستند؛ کشورهایی که مشارکت چین را در اقتصاد خود محدود می‌کنند معمولاً بر دو بعد اصلی تمرکز می‌کنند: سرمایه‌گذاری و دسترسی به فناوری و ساخت و بهره‌برداری از زیرساخت‌های اصلی. اگرچه سرمایه‌گذاری خارجی در فناوری حساس و مشارکت در زیرساخت‌های اصلی می‌تواند برای هر بازیگر خارجی مرتبط باشد، نهادهای چینی با روابط عمیق با دولت چین و دسترسی به سرمایه کم‌هزینه مجموعه‌ای از چالش‌ها را موجب می‌شوند.

به نظر می‌رسد که خود اسرائیل هم در شرایط سرمایه‌گذاری خارجی به دنبال مجموعه‌ای از تجدیدنظرها (شاید با فشار واشنگتن) باشد تا به‌طور کامل و قابل‌اعتماد و با کمک سازوکارهای نظارتی بر روی ابعاد و تهدیدهای امنیتی به‌ویژه در ارتباط با زیرساخت‌های استراتژیک تمرکز بیشتری کند تا روابط خاص با ایالت متحده نیز دچار چالش نشود. سرمایه‌گذاری فقط یک جنبه از روابط اقتصادی را تشکیل می‌دهد که فراتر از ارزش‌های مالی است و ارتباط تنگاتنگی با فناوری اطلاعات و قدرت استراتژیک دارد. اسرائیل احتمالاً در پی این مهم است که در یک فضای پیچیده بین متحد استراتژیک خود یعنی ایالات متحده و یک شریک تجاری مهم یعنی چین مانور دهد. با این حال، در صورت وجود اهرم محتاطانه و با در

نظر گرفتن کامل منافع آمریکا در منطقه، اسرائیل می‌تواند به یک پایگاه کوچک و در عین حال حیاتی استراتژیک در BRI چین تبدیل شود و شراکت اقتصادی اسرائیل و چین ممکن است تبدیل به الگویی شود که چگونه سایر کشورهای غربی با موفقیت با چین برخورد کنند. اگرچه تل‌آویو نسبت به واشنگتن روابط عمیق‌تر و قوی‌تری در قیاس با پکن دارد، اما هر دو پایتخت برای اقتصاد و رونق تل‌آویو حیاتی هستند. با این وجود، وقتی منافع مالی، همکاری اقتصادی و نظامی-فنی روی نقشه وجود دارد، طرفین ترجیح می‌دهند در چارچوب رویکرد عمل‌گرایانه باقی بمانند و چشمان خود را بر برخی اختلاف‌های سیاسی ببندند.

بی‌احتیاطی است که بخواهیم نتیجه عمل متعادل‌کننده و ظریف اسرائیل را بین آنچه اژدهای چینی و فیل آمریکایی نامیده می‌شود، پیش‌بینی کنیم. می‌توان تصور کرد که اسرائیل تمام تلاش خود را برای حفظ روابط اقتصادی با چین بدون به خطر انداختن اتحاد خود با ایالات متحده انجام خواهد داد. موفقیت یا عدم موفقیت آن تا حدی به انعطاف‌پذیری آن و تا حدی به شدت فشار آتی ایالات متحده بستگی دارد که در حال حاضر برآورد آن مشکل است. تا آنجایی که سیاست‌گذاران اسرائیلی نگران هستند، محتمل‌ترین سناریو ممکن این است که اسرائیل بتواند به این روند عمل‌گرایانه خود ادامه دهد؛ زمان نشان خواهد داد که آیا این مسیر عاقلانه و منطقی هست یا خیر. واضح است که از نظر اقتصادی، چین در مقاعد کردن اسرائیلی‌ها در مشارکت در پروژه‌های زیرساختی انتخاب‌های خوبی داشته و موفق بوده است. زمانی که به یاد بیاوریم که چین در یک دهه و نیم پیش با نیروی کار ارزان و محصولات ارزان اما با کیفیت پایین همراه بود، این امر قابل توجه است. از سوی دیگر، همچنین واضح است که چین تا حدی فاقد قدرت نرم است و نمی‌تواند تصویر خود را به‌عنوان یک بازیگر جذاب که واقعاً می‌توان به او اعتماد کرد، ایجاد کند. بدون بهبود این تصویر، چین همیشه در برخورد با نفوذ ایالات متحده در سراسر جهان به‌طور کلی و در اسرائیل به‌طور خاص با یک نبرد دشوار روبرو خواهد شد.

References

- رستمی، فرزاد و کهریزی، ندا (۱۴۰۱). پیامدهای امنیتی مناسبات چین و اسرائیل برای آمریکا. پژوهش نامه ایرانی سیاست بین الملل، ۱۱(۱)، ۱۶۹-۱۹۳.
- نورمحمدی، مرتضی و وحید افراسیابان (۱۴۰۱). تاثیر متغیر ایران بر روابط نظامی، اقتصادی و سیاسی چین و رژیم اسرائیل. مطالعات بین‌المللی، ۱۹(۱)، ۲۷۱-۲۹۶.
- 116th Congress (2019). *National Defense Authorization Act for Fiscal Year 2020*, s.l.: United States Congress.
- Abrams, E. (2018). *What's Behind Israel's Growing Ties with China?*, s.l.: Council on Foreign Relations.
- Berger, A. (2017). *The Rising Strategic Value of Global Technology Assets and Its Impact on Sino-Israel Relations*, s.l.: Sino-Israel Global Network & Academic Leadership Perspectives.
- Chaziza, M. (2016). *The Red-Med Railway: New Opportunities for China, Israel, and the Middle East*, Ramat Gan: Begin-Sadat Center for Strategic Studies Perspectives.
- Cohen, T. (2019). *Reuters*. [Online] Available at: <https://www.reuters.com/article/us-israeltech-exits/israeli-tech-exits-in-2019-doubledto-nearly-10-billion-idUSKBN1YS0L9>
- Coren, O. (2014). *Washington Obstructing Israeli High-Tech Exports to China*, s.l.: Haaretz.
- Coren, O. (2019). *Haaretz*. [Online] Available at: <https://www.haaretz.com/israel-news/business/.premium-israel-electric-company-to-sell-plant-to-group-that-includes-chinese-firm-1.7431580>
- Data and Insight, (2018). *Israeli High-Tech – Chinese Investments*. [Online] Available at: <http://www.ivic-online.com/Portals/0/RC/>
- Ehrlich, R. (2018). *Asia Times*. [Online] Available at: <https://asiatimes.com/2018/12/is-china-getting-too-close-to-israel/>
- Evron, Y., 2017. The Economic Dimension of China-Israel Relations: Political Implication Roles and Limitations. *Israel Affairs*, 3(5), pp. 828-847.
- Gao, C. (2017). *The Diplomat*. [Online] Available at: <https://thediplomat.com/2017/12/whats-chinas-stance-on-trumps-jerusalem-decision/>
- Hadar, L. (2010). *Foreign Policy*. [Online] Available at: <https://foreignpolicy.com/2010/06/26/the-collapse-of-israels-periphery-doctrine/>

- Kandel, R. (2019). *Haaretz*. [Online] Available at: <https://www.haaretz.com/israel-news/business/.premium-chinese-tourism-rose-67-in-first-half-of-2019-1.7436346>
- Keck, Z., (2014). *the Diplomat*. [Online] Available at: <https://thediplomat.com/2014/08/chinese-hackers-target-israels-iron-dome/>
- Lones, C. (2019). *China's great game in the Middle East*, Berlin: The European Council on Foreign Relations.
- MFA. (2013). *Israel Ministry of Foreign Affairs*. [Online] Available at: <https://mfa.gov.il/MFA/PressRoom/2013/Pages/PM-Netanyahu-meets-Chinese-President-Xi-Jinping-9-May-2013.aspx>
- Morris, B. (2012). *Israel's New Allies*. [Online] Available at: <https://nationalinterest.org/commentary/israels-new-allies-6441>
- Parsi, T. (2013). *Foreign Affairs*. [Online] Available at: <https://www.foreignaffairs.com/articles/united-states/2013-10-01/pushing-peace>
- People's Daily Online, (2018). *Chinese railway technologies promoting light rail construction in Israel*. [Online] Available at: <http://en.people.cn/n3/2018/0628/c90000-9475872.html>
- Prime Minister's Office, (2013). *PM Netanyahu's Remarks at the Israeli Presidential Conference*, Jerusalem: s.n.
- Rachman, G. (2017). *Easternization: Asia's Rise and America's Decline From Obama to Trump and Beyond*. s.l.: Other Press.
- Rosenberg, D. (2019). *Haaretz*. [Online] Available at: <https://www.haaretz.com/israel-news/.premium-israel-will-have-to-choose-between-america-and-china-1.6822921>
- Scheer, S. (2019). *Reuters*. [Online] Available at: <https://www.reuters.com/article/israel-electricity-reform/update-1-groupincluding-china-harbour-wins-tender-forisraeli-power-plant-idUSL8N2432AB>
- Strohm, C. (2015). *Bloomberg*. [Online] Available at: <https://www.bloomberg.com/news/articles/2015-11-18/no-sign-china-has-stopped-hacking-u-s-companies-official-says>
- Xinhua, (2015). *Made in China 2025' Plan Unveiled*. [Online] Available at: https://www.chinadaily.com.cn/business/2015-05/19/content_20760528.htm

